آشنایی با زندگینامه و تفکرات مالک بن نبی

مالک بن نبی در ۱۳۲۳/ ۱۹۰۵ در خانواده ای فقیر در شهر قُسَنْطینَة الجزایر متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان رسانید و سپس برای تحصیلات عالی به پاریس رفت و در ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ در رشته مهندسی برق فارغ التحصیل شد. در عین حال، به مطالعات گسترده ای در علوم اسلامی پرداخت و مدت درازی نزد عبدالحمید بن بادیس شاگردی کرد.

او که از همان آغاز به تحولات پیرامون خویش با دیدی تحلیلی می نگریست، علت اصلی ضعف و عقب ماندگی جهان اسلام را مسئله تمدن تشخیص داد و کتابهایی درباره «مشکلات تمدن» به رشته تحریر درآورد.

بن نبی در ۱۳۳۵ ش/ ۱۹۵۶ از فرانسه به قاهره رفت و پس از تماس با بسیاری از استادان و دانشمندان و ملاقات با جمال عبدالناصر به ترجمه کتابهای خود به زبان عربی اقدام کرد و از آن پس نوشته هایش را به زبان عربی منتشر نمود. بن نبی به بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی سفر کرد و شاگردان زیادی در قاهره، دمشق، طرابلس (لبنان) و الجزایر از بحثها و درسهای وی بهره بردند. وی در ۱۳۴۲ ش/ ۱۹۶۳، پس از استقلال کشورش، از مصر به الجزایر بازگشت و به سمت مدیرکل آموزش عالی منصوب شد. بن نبی در ۱۳۴۶ ش /۱۹۶۷ از سمت خود استعفا کرد و از آن پس همه وقت خود را صرف فعالیت علمی و برگزاری جلسات بحث فکری کرد.

بیشتر آثار بن نبی به زبان فرانسوی تألیف و بعداً به عربی ترجمه شده است. مشهورترین مترجمان کتابهای او دو تن از شاگردانش، عبدالصبور شاهین و عمر مسقاوی (وصی علمی و ناظر نشر و ترجمه آثار بن نبی) بودند. عبدالصبور شاهین هفت اثر بن نبی را به عربی ترجمه کرده است که بارها در قاهره و دمشق به چاپ رسیده اند. این کتابها عبارتند از: الظّاهرة القرآنیة؛ شروط النّهضة (با همکاری عمر مسقاوی)؛ میلاد مجتمع: شبکة العلاقات الاجتماعیّة؛ وجهة العالم الاسلامی (عنوان دیگر ترجمه عربی آن: نداء الاسلام، به قلم رمضان لاوند)؛ الفکرة الافریقیّة الآسیویّة فی ضوء مؤتمر باندونج (که به مناسبت برگزاری کنفرانس کشورهای افریقایی ـ آسیایی در باندونگ اندونزی در ۱۳۳۴ ش/ ۱۹۵۵ نگاشته شد)؛ مشکلة الثّقافة؛ المسلم فی عالم الاقتصاد. [۱] [۲] [۳]آثار دیگر وی عبارتند از: الصراع الفکری فی البلاد المستعمرة؛ إنتاج المستشرقین؛ بین الرشاد و التیه؛ الآفاق المستقبلیة الجزائریة؛ تأملات؛ فی

مهبّ المعركة؛ دورالمسلم و رسالته؛ دعوة الاسلام؛ مذكّرات شاهدالقرن ـ الطفل؛ مذكّرات شاهد القرن ـ الطالب؛ الاسلام و الديمقراطية و القضايا الكبرى. [۴] [۵] از آثار بن نبی دو اثر به زبان فارسی ترجمه شده است: الظاهرة القرآنية، با عنوان پديده قرآنی، به قلم حجتی كرمانی، كه از متن اصلی فرانسوی نيز، با عنوان قرآن پديده ای شگفت آور، به قلم نسرين حكمی ترجمه شده است؛ ميلاد مجتمع: شبكة العلاقات الاجتماعيه، با عنوان شبكه روابط اجتماعی، به قلم جواد صالحی.

اصلاح جامعه از طريق حكومت و سياست ممكن نيست

انديشه ها و مبارزات علمی بن نبی او را در زمره انديشمندان اصلاح طلبی مانند محمدرشيد رضا، محمد اقبال لاهوری و ابن باديس قرار داده است. [۶]وی از مهمترين انديشمندان اسلامی است كه به مسئله تمدن پرداخته و با آنكه انديشه های او به گونه ای ژرف تحت تأثير نظريات جديد در فلسفه تمدن است، ابن خلدون را بايد نخستين استاد و بزرگترين الهام بخش وی دانست. [۷]به عقيده بن نبی «جوهر مشكل هر ملت، در مسئله تمدن آن است و هيچ ملتی قادر به فهم و حلّ مشكل خود نخواهد بود، مگر آنكه انديشه خود را تا سطح تحولات بزرگ بشری ارتقا بخشد و عوامل ظهور و سقوط تمدنها را عميقاً درک كند». [۸]

بن نبی، شيفته جنبش اصلاحی «جمعيت العلماء المسلمين» الجزاير به رهبری ابن باديس بود و در آن ويژگيهايی می ديد كه حركت اصلاحی شيخ محمد عبده فاقد آن بود؛ چه، عبده به اصلاحات صرفاً كلامی بسنده می كرد، اما ابن باديس برنامه عملی كاملی را به استناد آيه شريفه «اِنَّ اللّهَ لايُغَيِّرُ ما بِقَوْم حَتّی يُغَيِّروُا ما بِأنْفُسِهِم» [۹] پذيرفته بود. بر اين اساس، «كليد حلّ مشكل در روح امت قرار دارد»؛ لذا «ايجاد تمدن يک پديده اجتماعی است كه در شرايطی درست همانند شرايط پيدايش نخستين، ممكن می شود». با اين حال، بن نبی از جمعيت العلماء المسلمين الجزاير انتقاد و آن را به انحراف از برنامه مصوب متهم كرد، زيرا اين جمعيت پذيرفته بود كه همراه يک كاروان سياسی در ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۶ برای مذاكره با فرانسويان به پاريس برود. به عقيده بن نبی، اصلاح وضع جامعه از طريق سياست و حكومت ممكن نيست، زيرا حكومت تابعی از شرايط اجتماعی است و جامعه ای كه در آن روحيه «استعمارپذيری» حاكم باشد، به ناچار دارای حكومتی استعماری خواهد بود. بنابراين استعمار زاييده كردار سياستمداران نيست بلكه نتيجه تن دادن ملت به استعمار است. به همين دليل، رهايی از استعمار تنها از طريق رهايی نفس از ذلت استعمارپذيری ممكن می شود؛ به طوری كه انسان بر اثر «تحول درونی» در شرايطی قرار گيرد كه با احترام به كرامت انسانی خويش، به وظايف اجتماعی خود قيام كند و به حكومت استعماری تن ندهد. [۱۰] [۱۱] [۱۲]از نظر مالک بن نبی، مشكل اصلی اينجاست كه «جامعه اسلامی» قرنهای متمادی «خارج از تاريخ» زيسته و تمدن خود را از دست داده است و از آنجا كه «هر تمدنی

محصولات خود را ایجاد می کند» نمی توان با خرید و گردآوری محصولات تمدنهای دیگر دارای تمدن شد. آنچه از طریق جمع آوری اشیای تمدنهای دیگر به دست می آید، «شبه تمدن» است نه «تمدن حقیقی». [۱۳] [۱۴]

«ترکیب کننده تمدنی» جز «اندیشه دینی» نیست

از دیدگاه مالک بن نبی، هر محصول تمدنی تنها از ترکیب سه عامل انسان، زمین و زمان به دست می آید. بن نبی تأکید می کند که برای ترکیب این سه عنصر ، یک «ترکیب کننده تمدنی» لازم است و تحلیل تاریخی نشان می دهد که این ترکیب کننده چیزی جز «اندیشه دینی» نیست. [۱۵] [۱۶]از سوی دیگر، ترکیب عناصر تمدن و عامل ترکیب کننده آنها از منطق «حرکت تاریخ» پیروی می کند؛ زیرا تمدن دارای «حیات» یا، به قول ابن خلدون، دارای یک «دوره» است: با «نهضت» به دنیا می آید، صعود و رشد می کند تا به نقطه «اوج» برسد، سپس راه نزول در پیش می گیرد و به «افول» منتهی می شود. گرچه به نظر بن نبی، این دوره، تخلّف ناپذیر است، وی برخلاف ابن خلدون، از تمدنی که درخشش خود را از دست داده ناامید نیست، زیرا خداوند اسباب پیشرفت را به اختیار انسانها نهاده است. احیا یا بازسازی تمدن ناچار باید بر آگاهی کامل از تاریخ این تمدن و مراحل دوره تمدنی و شرایط اجتماعی و روانی فرد و جامعه در مراحل مختلف مبتنی باشد.

به اعتقاد بن نبی، در یک نظام دقیق و والای اخلاقی ، غرایز و خوی حیوانی و واکنشهای فرد کاملاً مهار می شود و جامعه نیز تابع شبکه نیرومندی از روابط خواهد بود. در این مرحله، « غریزه » ساکت است و همه افراد و اجزای جامعه همچون « بنیان مرصوص » با ندای « روح » حرکت صعودی سریعی را در پیش می گیرند. از دیدگاه بن نبی، این مرحله در تاریخ تمدن اسلامی مطابق است با فاصله زمانی میان نزول وحی در غار حرا تا واقعه صفین در سال ۳۸ که با ورود معاویه به صحنه حوادث ، توازن میان «روح» و زمان از بین رفت. [۱۷] [۱۸] [۱۹]جامعه ای که پرورده اندیشه دینی است راه تحول در پیش می گیرد و با توسعه شبکه روابط داخلی خویش به گسترش «اندیشه» می پردازد. در واپسین مرحله گسترش، مشکلات مادی و ضرورتهای جدید پدید می آید و نقطه عطف دیگری بروز می کند که آغاز «مرحله عقل » است. اما این «عقل» سیطره «روح» بر غریزه را ندارد، ازینرو غرایز بتدریج از قیود آزاد می شود و به همان نسبت «روح» تأثیر خود را بر خود از دست می دهد و جامعه نیز از تنظیم رفتار افراد و مهار امیال فردی سر باز می زند و شبکه ارزشهای اخلاقی و اجتماعی کم کم فرو می ریزد. در این مرحله، علوم و فنون به حداکثر گسترش خود می رسد. از دیدگاه بن نبی، این مرحله از مراحل تمدن اسلامی مطابق است با عصر اموی و بخش مهمی از عصر عباسی که نقطه اوج آن در دوران مأمون است. بن نبی این دوره را ـ بدون

تردید ـ انحرافی بزرگ از خط تمدن اصیل می داند، زیرا در این دوره توازن موجود میان روح و عقل بر هم خورده و نشانه های سستی روح و نزدیکی افول آن پدیدار گشته است. [۲۰] [۲۱] [۲۲]در این دوره، فرد مسلمان قادر به استفاده از تمامی توان حیاتی خویش نیست، زیرا امکان سیطره بر بخشی از غرایز خود را ندارد. این حالت از نظر اجتماعی بدان معنی است که مجموع توان اجتماعی کار نمی کند. بنابراین، غریزه بتدریج از سیطره روح آزاد می شود و سرنوشت فرد را در اختیار می گیرد. در این جاست که تمدن وارد سومین مرحله خود یعنی «مرحله غریزه» می شود. در این مرحله، وظیفه اجتماعی اندیشه دینی به پایان می رسد و شبکه روابط اجتماعی جامعه فرومی ریزد و اخلاق افراد جامعه به سبب خشکیدن ذخایر روحی و عقلی به تباهی می انجامد. [۲۳] [۲۴] [۲۵]این مرحله از تمدن اسلامی مطابق است با اواخر عصر عباسی و دوران پس از آن تا زمان ابن خلدون و نیز دوران پس از سلسله موحدون در مغرب . لذا، مالک بن نبی انسان این مرحله را «انسان پس از موحدون» می نامد؛ انسانی که در نتیجه بروز اختلال در توان روحی و معنوی ، ارزش اجتماعی خود را از دست داده و فقط برای منافع فردی خویش تلاش می کند. در اینجا، فردگرایی بر جامعه مستولی می شود و با گسستگی شبکه روابط اجتماعی شرایط استعمارپذیری پدید می آید و سپس دوران استعمار فرامی رسد. [۲۶] [۲۷] [۲۸]

بازسازی «انسان پس از موحدون»

از نظر بن نبی «انسان پیش از تمدن» انسانی طبیعی و دست نخورده است که برای ورود به یک دوره تمدنی کاملاً آماده است، اما انسان پس از تمدن، انسان فرسوده ای است که دیگر توانایی تولید «کار تمدنی» را ندارد مگر اینکه از ریشه تغییر کند. [۲۹] [۳۰] [۳۱]از اینجاست که مالک بن نبی به راه حل مشکل تمدن اسلامی می پردازد و باردیگر سه عنصر انسان، زمین و زمان را مطرح می کند. وی بر لزوم بهره برداری از زمین چه برای کشاورزی و چه استخراج معادن و ثروتهای نهفته در آن برای ایجاد رفاه اجتماعی تأکید می کند و به زمان و بهره برداری از هر لحظه از آن برای «کار و تولید سازمان یافته» اهمیت می دهد و سرانجام به عامل «انسان» می رسد و درباره بازسازی «انسان پس از موحدون» مفصلاً بحث می کند. بن نبی برای بازسازی این انسان به دو قاعده اسلامی تمسک می جوید: تغییر نفس، مستفاد از آیه یازدهم سوره رعد ؛ و اصلاح ، مأخوذ از حدیث شریف «لایصلح آخر هذه الاُمة اِلاّ بما صلح به اَوّلها» (پایان این امت اصلاح نمی شود مگر همچون آغاز آن)، لذا شروع این اصلاح از تلاوت و فهم قرآن با روشی است که هر مسلمان احساس کند قرآن برای نخستین بار به او وحی می شود. بن نبی در این باره، این سخن محمد اقبال لاهوری را نقل می کند که «آنچه بیش از هر چیز دیگر در من مؤثر افتاد نصیحتی بود که از پدرم شنیدم که می گفت: فرزندم، قرآن را طوری بخوان که گویا بر تو نازل می شود». [۳۲] [۳۳]

به نظر بن نبی، انسان تمدن ساز باید در سه زمینه فرهنگ ، کار و مال توجیه یا هدایت شود. فرهنگ از نظر وی «مجموعه ای از صفات اخلاقی و ارزشهای اجتماعی است که فرد در محیطی که به دنیا می آید آن را همچون یک سرمایه اولیه دریافت می کند». بن نبی کار را تنها عاملی می داند که سرنوشت اشیا را در یک چارچوب اجتماعی تعیین می کند و هدایت آن به معنی هدایت همه فعالیتهای جمعی در یک مسیر با هدف ایجاد تغییر در وضع انسان و پدید آوردن محیطی جدید برای رشد تواناییهای فردی در جامعه است. بالاخره، مال یا ثروت به عنوان وسیله اجتماعی برای نهضت در جهت پیشرفت مادی اهمیت دارد و نه به عنوان وسیله سیاسی نزد شماری از سرمایه داران برای بهره کشی از تلاش اکثریت ملت. [۳۴] [۳۵] [۳۶]

تعادل بین کم و کیف، عقل و روح، وسیله و هدف، علم و وجدان

علاوه بر عوامل یادشده، احیا یا بازسازی تمدن، از دیدگاه بن نبی، به احیای اندیشه دینی بستگی دارد. بن نبی تمدن سازی به روش غربی را ابداً نمی پذیرد، چه معتقد است که تمدن غرب که ادامه تمدن قرن نوزدهم میلادی است اکنون در مرحله ورشکستگی قرار گرفته و نمی تواند وسیله رهایی جهان اسلام باشد. بن نبی خواستار تمدنی اصیل با ویژگیهای خود است، «تمدنی که در آن مربیان به جوانان بیاموزند که چگونه می توانند راههایی را برای هدایت و پیشبرد کاروان بشری کشف کنند، نه آنکه خود دنباله رو روسها یا آمریکاییان باشند». [۳۷] [۳۸]به عقیده بن نبی، نخستین وظیفه جهان اسلام این است که خود را از طریق یک برنامه ریزی منظم علمی به سطح بالای پیشرفت مادی برساند بدون آنکه ارزشهای اخلاقی خود را از دست بدهد، زیرا تمدن جدید اسلامی باید براساس تعادل بین کم و کیف، ماده و روح، وسیله و هدف و بالاخره علم و وجدان باشد. به عبارت دیگر، نهضت جهان اسلام در جدا شدن از ارزشها نیست بلکه در جمع بین علم و ایمان است. [۳۹] [۴۰]

نقش تعیین کننده پاکستان، جاکارتا و هند در «انسان پس از موحدون»

درباره آینده جهان اسلام، مالک بن نبی، علاوه بر توجه به جریانهای اصلاح طلب و نوگرا که در تصویر چهره جدید دنیای اسلام نقش دارند، پدیده انتقال مرکز ثقل جهان اسلام را از حوزه مدیترانه به آسیا مورد توجه قرار می دهد و این پدیده را باعث بروز نتایج روانی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام و حرکت آن به سمت آینده می داند. وی معتقد است که در جاوه، پاکستان و جاکارتا جنبه های اندیشه و کار بر جنبه علم بسته سنتی برتری دارد و جهان اسلام می تواند در آنجا خود را بازسازی کند تا به توانمندی لازم برسد و راههای زندگی را بیاموزد. [۴۱]از سوی دیگر جامعه اسلامی در همسایگی هند، و در کنار ادیان برهمایی و بودایی، به انقلاب درونی در فضایی عارفانه دست می یابد که نتیجه

آن گفت و شنود بین قلب و فکر خواهد بود، چیزی که «انسان پس از موحدون» بدان سخت نیاز دارد و در سواحل مدیترانه آن را نیافته است. این نظر مالک بن نبی، که تحت تأثیر شرایط سیاسی ـ اجتماعی جهان اسلام در ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۹ بوده، با انتقاد بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان عرب روبرو شده است. [۴۲]

توجه و اهتمام بن نبی به قرآن بسیار زیاد است. نخستین کتاب وی، الظاهرة القرآنیة، که اصل آن به زبان فرانسوی است، نشان دهنده این دیدگاه وی است.

وی در این کتاب و در کتابهای بعدی خود همواره می کوشد مبانی افکار خویش را از قرآن و سنّت نبوی استنباط کند. هدف اساسی بن نبی از تألیف الظاهرة القرآنیة، ایجاد اصلاحی روش شناختی در تفسیر قرآن و کمک به برداشتهای نوین قرآنی برای روشنفکران و تحصیل کردگان مسلمانی بود که در برابر فرهنگ غربی به دنبال پایگاهی محکم در میراث گذشته خویش بودند. او در مقدمه ای که بر ترجمه عربی این کتاب افزوده است به دو انگیزه اصلی خود اشاره می کند: ایجاد زمینه و فرصتی برای جوانان مسلمان تا به درستی در دین نظر کنند؛ و اصلاحی شایسته در شیوه سنّتی تفسیر قرآن. [۴۳]

بزرگترین خطر برای فرهنگ و تفکر اسلامی: استشراق

به نظر بن نبی، بزرگترین خطری که فرهنگ و تفکر اسلامی را تهدید می کند استشراق است که مسلمانان هنوز حیله های آن را درنیافته و تأثیر آن را در جای جای زندگیِ فرهنگی و شئون انسانی خود حسّ نکرده اند؛ به ویژه آن که اکنون این پدیده در لباس دانشگاهی و بر زبان و قلم پاره ای از مشاهیر مسلمان جاری است. وقتی توجه کنیم که هر ساله دانشجویان سوری و مصری ـ یعنی اساتید آینده فرهنگ عربی و بانیان نهضت اسلامی ـ تنها در دانشگاه پاریس رساله های فراوانی عرضه می کنند و در آنها بر بسط و شرح آرای استادان غربی خویش پای می فشرند، بزرگی خطر را درمی یابیم. همین جا او بر طه حسین به دلیل تألیف کتاب فی الشعر الجاهلی حمله می برد و تبعیّت وی از مارگلیوث را نکوهش می کند که با تشکیک در وثاقت شعر جاهلی و درستی انتساب آن به شعرای جاهلیت راه را برای کمرنگ کردن اهمیت اعجاز قرآنی هموار می کنند. [۴۴]

نخستین و مهمترین چالش رویاروی بن نبی برای اثبات اعتبار و وثاقت قرآن، مسئله اعجاز و غیربشری بودن این کتاب است. وی علی الاصول دیدگاه مفسّران سنتی را در زمان کنونی نمی پسندد که برای اثبات الوهیت منشأ و مصدر قرآن کریم به اعجاز بیانی و ادبی قرآن تمسّک می کنند و هنوز می کوشند فصاحت و

اوج ادبی و بلاغی قرآن را دلیل اعجاز و مبنای تحدّی قرآن قرار دهند. این روش تنها برای نخبگان فرهنگی جوامع عرب کارآمد است.

در غالب کشورهای اسلامی و به ویژه در ممالک غیرعربی کمتر کسی یافت می شود که بتواند میان آیه ای از قرآن و نظم یا نثری از ادب جاهلی مقایسه و داوری کند. مدتهاست که دیگر ما آن نبوغ زبان عربی را از دست داده ایم و در این باب صرفاً به باورهایی تقلیدی قناعت می کنیم. [۴۵]

به اعتقاد بن نبی مردم در بدو ظهور اسلام به دلیل هویت ادبی و زبانی شان، اعجاز قرآن را با «ذوق فطری» خویش لمس می کردند؛ پس از آن تا حدود دوره عباسی «ذوق علمی» ادیبان و دانشمندان برای درک الوهیت و اعجاز قرآن کافی بود. امروزه با توجه به آیة «قُلْ ما کُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ [۴۶] می توان رسالت پیامبر اکرم را همچون سایر رسالتها، پدیده ای ـ به معنای علمی کلمه ـ دانست که در ظروف زمانی و مکانیِ مشابه آثار و نتایج مشابه به همراه دارد. در واقع، اعجاز شخص پیامبر در زمان خودش همان دلایلی است که برای اسکات منکران ارائه می دهد، اما اعجاز دین یکی از ابزارهای تبلیغ آن است. این بدان معناست که « معجزه » باید برای همه مخاطبان قابل فهم و، در عین حال، برتر از توانایی همه آنان باشد. از آن مهمتر، معجزه باید در تمام دوره زمانی مفروض دین، استمرار یابد تا تبلیغ دین همواره تحقق پذیرد. ازینرو، اعجاز قرآن در آغاز ظهور اسلام با ذوق فطری و بعدها با ذوق علمی دریافت می شد؛ اما امروز، فرد مسلمان ناگزیر است که این اعجاز را در صورتی دیگر بیابد و آن بررسی محتوای پیامهای قرآن ـ و نه ظاهر عبارات آن ـ است. [۴۷] [۴۸]

شیوه بن نبی در کتاب الظاهرة القرآنیة بر همین پایه استوار است. وی به تأمّل در طبیعت نفس انسانی و فطرت خداجویی او در طول تاریخ مذاهب بشری می پردازد و با تفحّص در تاریخ نبوت ، ویژگیهای انبیا ، سیره پیامبر اکرم و مضامین قرآن می کوشد مبانی دین و به ویژه اصول اعتقادی و اجتماعی دین اسلام را بشناساند. در این کتاب و مواضعی از دیگر کتابهای بن نبی، بیشترین تأکید و اهتمام بر احکام اجتماعی و اخلاق اسلام است. وی با گرایش اجتماعی خود در تفسیر ، مفاهیم و مضامین قرآنی را به گونه ای بسط می دهد که شئون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیات بشر را در برگیرد و در این راه همواره به وضع کنونیِ بشر و نیاز تمدن بشری به آیینی جامع و الهی نظر دارد. با اینهمه، گاه همانند قائلان به تفسیر علمی قرآن، می کوشد سازگاری پاره ای از آیات قرآن را با جدیدترین نظریه های علمی اثبات کند. [۴۹] [۵۰]

بن نبی در ۹ آبان ۱۳۵۲/ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۳ در الجزایر دار فانی را وداع گفت. [۵۱] [۵۲] [۵۳] [۵۴]

پانوشت:

۱. مرتضی کریمی نیا، آرا و اندیشه های دکتر نصرحامدابوزید، ج۱، ص۱۰۲، تهران ۱۳۷۶ ش.

۲. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۵، دمشق ۱۹۹۲.

۳. اسعد سحمرانی، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمة صادق آئینه وند،ص ۱۵، تهران ۱۳۶۹ ش.

۴. اسعد سحمرانی، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمة صادق آئینه وند، ص ۱۶، تهران ۱۳۶۹ ش.

۵. موسوعة السیاسة، چاپ عبدالوهاب کیالی، بیروت ۱۹۷۹ـ۱۹۹۴، ذیل «مالک بن نبی».

۶. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۶۰۳ـ۶۰۴، عمان ۱۹۸۸.

۷. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث،ج۱، ص۴۱۶، عمان ۱۹۸۸.

۸. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۲۱، دمشق ۱۹۹۲.

۹. رعد/سوره۱۳، آیه۱۳:آیه۱۱.

۱۰. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۱۶ـ۴۱۷، عمان ۱۹۸۸.

۱۱. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۲۸ـ۲۹، دمشق ۱۹۹۲.

۱۲. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص۳۳، دمشق ۱۹۹۲.

۱۳. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۱۷ـ ۴۱۸، عمان ۱۹۸۸.

۱۴. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،ص۴۷، دمشق ۱۹۹۲.

۱۵. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث،ج۱، ص۴۱۸ـ۴۱۹، عمان ۱۹۸۸.

۱۶. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،ص ۵۰، دمشق ۱۹۹۲.

۱۷. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۱۹ـ۴۲۰، عمان ۱۹۸۸.

۱۸. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،ص ۵۸ ـ۵۹، دمشق ۱۹۹۲.

۱۹. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۲۹، دمشق ۱۹۸۹.

۲۰. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۲۰ـ۴۲۱، عمان ۱۹۸۸.

۲۱. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۷۶، دمشق ۱۹۹۲.

۲۲. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۳۱، دمشق ۱۹۸۹.

۲۳. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۲۱، عمان ۱۹۸۸.

۲۴. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،ص ۷۷، دمشق ۱۹۹۲.

۲۵. مالک بن نبی، میلاد مجتمع، ترجمة عبدالصبور شاهین،ص ۱۴۴، قاهره ۱۹۶۲.

۲۶. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث،ج۱، ص۴۲۱ـ۴۲۲، عمان ۱۹۸۸.

۲۷. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین،ص ۳۶، دمشق ۱۹۸۹.

۲۸. مالک بن نبی، میلاد مجتمع، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۹۶، قاهره ۱۹۶۲.

۲۹. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۲۲، عمان ۱۹۸۸.

۳۰. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۷۴، دمشق ۱۹۹۲.

۳۱. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص۷۸، دمشق ۱۹۹۲.

۳۲. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۲۳، عمان ۱۹۸۸.

۳۳. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،ص ۶۵، دمشق ۱۹۹۲.

۳۴. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث، ج۱، ص۴۲۳ـ ۴۲۵، عمان ۱۹۸۸.

۳۵. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۸۸ ـ۸۹، دمشق ۱۹۹۲.

۳۶. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین، ص ۱۲۰ـ۱۲۱، دمشق ۱۹۹۲.

۳۷. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث،ج۱، ص۴۲۵، عمان ۱۹۸۸.

۳۸. مالک بن نبی، مشکلة الثقافة، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۱۱۸، قاهره ۱۹۵۹.

۳۹. فهمی جدعان، أسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث،ج۱، ص۴۲۵ـ۴۲۶، عمان ۱۹۸۸.

۴۰. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۱۶۹ـ۱۷۰، دمشق ۱۹۸۹.

۴۱. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص۱۸۲ـ۱۸۳، دمشق ۱۹۸۹.

۴۲. مالک بن نبی، وجهة العالم الاسلامی، ترجمة عبدالصبور شاهین، ص ۱۸۳ـ۱۸۶، دمشق ۱۹۸۹.

۴۳. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۵۳، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۴۴. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۵۴ ـ۵۷، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۴۵. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۵۸ ـ۵۹، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۴۶. احقاف/سوره۴۶، آیه۴۶:آیه ۹.

۴۷. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۶۲، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹

۴۸. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص۷۱، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۴۹. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۳۳۹، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۵۰. مالک بن نبی، الظّاهرة القرآنیّة، ترجمه عبدالصبور شاهین، ص ۳۵۳، بیروت ۱۳۸۹/۱۹۶۹.

۵۱. مالک بن نبی، شروط النّهضة، ترجمة عمر کامل مسقاوی و عبدالصبور شاهین،اطلاعات پشت جلد، دمشق ۱۹۹۲.

۵۲. اسعد سحمرانی، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمة صادق آئینه وند، ص۷، تهران ۱۳۶۹ ش.

۵۳. اسعد سحمرانی، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمة صادق آئینه وند، ص۱۵، تهران ۱۳۶۹ ش.

۵۴. انور جندی ، أعلام الدعوة و الفکر، أعلام القرن الرابع عشر الهجری، ،أعلام الدعوة و الفکر، ج ۱: ص۱۴۴ـ ۱۴۵ ، قاهره ۱۹۸۱.

منبع:

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «مالک بن نبی»، شماره۱۹۰۱.